

Social Semiotics in *This Street Has No Street Bumps*: A Study in the Light of Pierre Giroux's Theory

Sara Ahmadi^{1*}, Abdulreza Nadrifar², Sara Hasani³

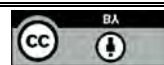
¹ M.A. student of Persian language and literature at Razi University, Kermanshah, Iran, Email: ahmadisara1242555@gmail.com

² Assistant Professor of Persian Language and Literature Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran, Email: abdolreza.nadrifar@gmail.com

³ Teacher of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran, Email: hasani.sara1367@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Full Paper	Social semiotics is a sub-branch of semiotics that reveals hidden meanings in texts by explaining signs. It concentrates on two fields: identity codes and etiquette signs. As a social novel, <i>This Street Has No Speed Bumps</i> offers high potential for social semiotics analysis. Analyzing social signs and codes, the study attempts to present invaluable information about the urban fabric of the novelist's community and women's status in society. The current study employs a descriptive-analytical method and benefits from library resources and Pierre Giroux's semiotics to analyze <i>This Street Has No Street Bumps</i> . The study reveals that Maryam Jahani, through exploiting social signs, tries to articulate the sufferings of women caught in a misogynist community and inform them about their rights. The novelist utilizes the signs of identity and etiquette to criticize social issues and the dominance of patriarchal society. Shohreh, the protagonist, stands against all patriarchal traditions and laws. The novelist's transparently obvious transgression of social norms is her choice of taxi driving for her heroine, Shohreh.
Article history: Received: 2025-04-18 Accepted: 2025-05-19	
Keywords: Social Semiotics Pierre Giroux Mayam Jahani <i>This Street Has No Speed Bumps</i>	

Cite this article Ahmadi, S., Nadrifar, A.R., Hasani, S. (2025). Social Semiotics in *This Street Has No Street Bumps*: A Study in the Light of Pierre Giroux's Theory. *Social Issues in Persian Literature*, 3 (2), 19-34.



©The author(s)

Publisher: Goletsan University

Doi: 10.30488/SIPL.2025.517809.1086



نشانه‌شناسی اجتماعی رمان این خیابان سرعت گیر ندارد بر اساس نظریه پیرگیرو

سارا احمدی^۱، عبدالرضا نادری فر^۲، سارا حسنی نطفه^۳

^۱ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، رایانامه: ahmadisara1242555@gmail.com

^۲ استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، رایانامه: abdolreza.naderifar@gmail.com

^۳ مدرس حق التدریس زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، رایانامه: hasani.sara1367@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله کامل علمی	رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی از زیر شاخه‌های علم نشانه‌شناسی است که با تبیین نشانه‌ها، معانی نهفته در متن را آشکار می‌سازد. این رویکرد بر دو حوزه رمزگان‌های هویت و نشانه‌های آداب معاشرت تکیه دارد. از آنجا که رمان این خیابان سرعت گیر ندارد یک رمان اجتماعی است، برای بررسی نشانه‌شناسی به‌ویژه با رویکرد اجتماعی ظرفیت زیادی دارد. هدف پژوهش حاضر این است که با تحلیل رمزگان‌ها و نشانه‌های اجتماعی اطلاعات ارزشمندی از بافت جامعه شهر نویسنده و وضعیت زنان این جامعه دریافت گردد. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی با استناد به منابع کتابخانه‌ای با رویکرد نشانه‌شناسی پی‌ریزی به این رمان پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مریم جهانی، نویسنده‌ای است که با بهره‌گیری از نشانه‌های اجتماعی، سعی دارد مشکلات و رنج زنانی که در بند جامعه‌ای زن‌ستیز گرفتار شده‌اند، بیان کند و آنان را نسبت به حق و حقوق خود آگاه سازد. بهره‌گیری نویسنده از نشانه‌های هویت و آداب معاشرت از مهم‌ترین نشانه‌ها برای بیان اعتراض نویسنده به مسائل اجتماعی و حاکمیت جامعه مردسالار است. شهره به‌عنوان شخصیت اصلی در مقابل تمام قوانین و سنت‌های مردسالارانه، ایستادگی می‌کند. بارزترین نقض هنجار در میان نشانه‌های اجتماعی، انتخاب شغل راننده تاکسی برای شخصیت اصلی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۳۰	
واژه‌های کلیدی: نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌ریزی مریم جهانی این خیابان سرعت گیر ندارد	

استناد: احمدی، سارا؛ نادری فر، عبدالرضا؛ حسنی نطفه، سارا. (۱۴۰۴). نشانه‌شناسی اجتماعی رمان این خیابان سرعت گیر ندارد بر اساس نظریه پیرگیرو. نشریه: اجتماعیات در ادب فارسی، ۳ (۲)، ۳۴-۱۹.



مقدمه

علم نشانه‌شناسی از علوم است که هدف آن بررسی نشانه‌ها و رفتارهایی است که باعث انتقال معنا از شخصی به شخص دیگر می‌شود، یعنی باعث ایجاد ارتباط زبانی و غیرزبانی می‌گردد. به‌طور کلی «نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا فرایند دلالت شرکت دارند» (مکاریک، ۱۳۹۰: ۳۲). «نشانه‌شناسی اجتماعی از رویکردهای نگرش بر مبنا است که به فرایند معناپردازی در بستر اجتماع و فرهنگ تاکید دارد. معنا حاصل برهم کنش ذهنیت معنا ساز و ذهنیت معنا پرداز از یک سو و نظام زبانی که به کار گرفته می‌شود و زیستگاه اجتماعی و فضای اجتماعی - فرهنگی از سوی دیگر است که هیچ یک از آن‌ها را نیز به آسانی نمی‌توان از دیگری متمایز کرد و هریک به‌نوعی درون دیگری قرار دارند» (ساسانی، ۱۳۸۹: ۸). پی‌یر گیرو نشانه‌شناسی را دانش بررسی تمام پدیدارهای فرهنگی می‌داند که به نظام‌های نشانه‌شناسی تعلق داشته باشند. «دامنه نشانه‌شناسی بسیار گسترده است و هر نوع ارتباطی را دربر می‌گیرد و هر چیزی که به چیز دیگر دلالت کند، در قلمرو آن جایی خواهد داشت» (احمدی، ۱۳۸۳: ۷).

رمان‌ها مجموعه‌ای از نشانه‌ها و رمزگان‌هایی هستند که از نظام و عرف‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرند. در این نوع ادبی نویسنده بر اساس سلیقه خود نشانه‌هایی را به کار می‌گیرد و خواننده با استفاده از معلومات اجتماعی و فرهنگی خود می‌تواند دست به نقد کتاب بزند. یکی از اتفاق‌هایی که در جامعه مدرن پس از روشنگری به وجود آمد، احساس بی‌هویتی در میان نویسندگان زن بود و آن‌ها خواهان برکناری تسلط مردان در نویسندگی بودند. این اتفاق در ایران با پیشگامی سیمین دانشور رقم خورد و بعد از آن شهرنوش پارسی‌پور، منیرو روانی‌پور، غزاله علی‌زاده، فرخنده آقایی و فرشته مولوی که بیشتر آثارشان به مشکل هویت و جایگاه زن ایرانی، در مرحله تغییر و تحول اجتماعی معطوف بود. با آثار این نویسندگان و تلاش برای کشف فردیت و هویت خویش به‌عنوان زن، جایگاهی چشمگیر در ادبیات زنان به وجود آورد.

رمان مریم جهانی از منظر مؤلفه‌های فمینیستی و هم از لحاظ لحن، زبان و شخصیت‌پردازی زن‌محور نوعی تجربه زنانه در جریان داستان‌نویسی معاصر ایران است. این پژوهش به‌روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای می‌کوشد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو و چگونگی نمود نشانه‌ها را در فضای رمان / این خیابان سرعت گیر ندارد به‌عنوان یک رمان اجتماعی تحلیل و بررسی کند و خواهان رسیدن به این است که در این رمان با استفاده از نشانه‌های هویت و آداب معاشرت تا چه حد از وضعیت مردم کرمانشاه می‌توان آگاه شد؟ چه موانع پیشرفت و «بایدها و نبایدهایی» در جامعه برای زنان وجود دارد؟ آیا زنان در جامعه مردسالار امکان رشد دارند یا خیر؟

علم نشانه‌شناسی به واکاوی معنای پنهان متن می‌پردازد و به‌معنای امروزی از آرای فردینان دوسوسور و نوشته‌های پیرس سرچشمه گرفته و رشد کرده است. از نظر دوسوسور، یکی از شاخه‌های علم نشانه‌شناسی، نشانه‌شناسی اجتماعی است که به مطالعه نشانه‌ها در جامعه می‌پردازد. «نشانه‌های اجتماعی رمزگان‌هایی هستند که به شخص توانایی شناخت محیط اطراف را می‌دهد، از این طریق شخص می‌داند با چه کسی رابطه دارد و هویت اشخاص و گروه‌ها را بازمی‌شناسد» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

گیرو، نشانه‌های اجتماعی را بر دو نوع می‌داند: نشانه‌های هویت و نشانه‌های آداب معاشرت. نشانه‌های هویت نشانه‌هایی هستند که تعلق فرد به یک دین، القاب، شغل‌ها، مکان‌ها و نوع لباس‌ها هستند. نشانه‌های آداب معاشرت هم نشانه‌هایی هستند که چگونگی ارتباط انسان‌ها را با یکدیگر بیان می‌کنند. این نشانه‌ها شامل ارتباط کلامی مانند لحن و ارتباط غیرکلامی مانند حالت‌ها و اطوارها و غیره می‌شوند.

۱-۱- پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعه مستقلی درباره موضوع مقاله حاضر صورت نگرفته است، اما چند پژوهش که با این تحقیق ارتباط دارند عبارتند از:

مقاله «تحلیل ساختارشکنی و تقابل دوگانه در رمان / این خیابان سرعت گیر ندارد» از فریبا رحیمی؛ ناصر علی زاده و آرش مشفق (۱۳۸۸). این مقاله به توصیف دنیای زنانی می پردازد که بین دنیای مردسالار و تمایلات زنانه قرار گرفته اند. ناهنجاری های به وجود آمده برای زنان ناشی از زندگی در جامعه اقتدار طلب مردانه است.

پایان نامه نقد بوم زیستی ده رمان منتخب فارسی از عاطفه میرشاک: پدیدآور، مهیود فاضلی: استاد راهنما و نسرين فقيه ملك مرزبان: استاد مشاور (۱۳۷۹). به نقش محیط زیست در شکل گیری حوادث داستان و شخصیت ها توجه دارد. یکی از آن ده رمان، رمان / این خیابان سرعت گیر ندارد است که حوادث آن در شهر کوهستانی کرمانشاه اتفاق افتاده است و سعی دارد تأثیر شرایط آب و هوایی را در شخصیت و چگونگی رفتار آن ها بیان کند.

پایان نامه بررسی چگونگی بازنمایی روابط کلامی در داستان های برگزیده سه سال اخیر، لم یزرع - گلوگاه - این خیابان سرعت گیر ندارد از سیده فاطمه صانعی: پدیدآور، مهیود فاضلی: استاد راهنما و نسرين فقيه مرزبان: استاد مشاور (۱۳۹۸). در این پژوهش سه عامل مکان، نسبت و جنسیت در انتقال و معنی پیام مورد مطالعه قرار گرفته اند. به این نتیجه رسیده اند که مکان ها و مالکیت در آن ها با بسامد گفتگوی شخصیت ها ارتباط دارد.

مقاله «من و دیگری در / این خیابان سرعت گیر ندارد» از نادر امیری (۱۳۹۸). نویسنده رمان مذکور را از نظر باختینی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است، نه یک دیگری بلکه سه دیگری در سه ساحت حضور دارند و باینکه دیگری می تواند مرد باشد و انتزاعی است، نه می توان گفتگو کرد و نه با آن مبارزه کرد.

مقاله «نقد فمینیستی رمان / این خیابان سرعت گیر ندارد اثر مریم جهانی» از فرشاد اسکندری شرفی، ستایش فتاحی و وحید مبارک (۱۳۹۹). در این مقاله جلوه های گوناگونی از مشکلات زنان در جامعه مردسالار به نمایش درآمده است. برتری دادن جنس مذکر، پدرسالاری و بی وفایی مردان و تنوع طلبی آن ها باعث ایجاد مشکلاتی برای زنان شده است. پایان نامه جامعه شناسی ادبی رمان های عادت می کنیم و / این خیابان سرعت گیر ندارد از عیسی خسروی: پدیدآور و وحید مبارک: استاد راهنما (۱۳۹۹). به روش جامعه شناسی ادبی گلدمن رمان ها را در دو مرحله بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که ساختار جامعه و تفکرات مردم و محیط، در شکل گیری ساختارهای ذهنی نویسنده نقش دارند. مقاله «مردسالاری و موضع فمینیستی زنان در یکی از رمان های مریم جهانی و رد پای آن در نقاشی های ایرانی» از حمیدرضا فرخی؛ طاهره رضوانی و علی دهقانی (۱۴۰۱). در این پژوهش مریم جهانی عوامل سلطه در نظام مردسالاری و شیوه مبارزه زنان را به خوبی آشکار کرده است و به تقابل سنت و مدرنیته پرداخته است.

در مورد نشانه شناسی اجتماعی و رمان مورد تحقیق ما، پژوهش هایی صورت گرفته است، اما هیچ پژوهشی با رویکرد نشانه شناسی اجتماعی در مورد رمان / این خیابان سرعت گیر ندارد انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر در نوع خود دستاوردی تازه است؛ زیرا تلاش شده با کشف رمزگان های نشانه شناسی اجتماعی که پی گیر در نظریه خود مطرح کرده است، لایه های پنهان موجود در رمان و جامعه نویسنده را برای مخاطب آشکار کند.

۱-۲- نگاهی به زندگی مریم جهانی و آثار وی

مریم جهانی، متولد یکم دی ماه سال ۱۳۶۵ در کرمانشاه و دانش آموخته کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی است. از سال ۱۳۹۰ به طور حرفه ای به داستان نویسی پرداخت و در سال ۱۳۹۲ نخستین مجموعه داستانی اش را با عنوان چراغ های خاموش منتشر کرد. دومین اثر مریم جهانی رمان / این خیابان سرعت گیر ندارد است که در سال ۱۳۹۵ منتشر شد و در سال ۱۳۹۶، علاوه بر این که جایزه ادبی جلال آل احمد (دهمین دوره) را در بخش داستان بلند و رمان (بصورت مشترک) از آن خود کرد، در سی و پنجمین دوره کتاب سال نیز اثر برگزیده بخش ادبیات (نثر) شناخته شد. سومین اثر و دومین رمان او سنگ یشم نام دارد.

۱-۳- خلاصه رمان

«شهره» در رمان این خیابان سرعت گیر ندارد زن جوانی است که از همسرش جدا شده است و اکنون در آپارتمانی هفتاد متری با «محبوبه»، دخترخاله مطلقه‌اش، در شهر کرمانشاه که جامعه‌ای مردسالار است زندگی می‌کند. انتخاب شغل مردانه راننده تاکسی و دیگر اعمال شهره باعث شده است که قوانین خود ساخته مردان را زیر پا بگذارد و به او شخصیتی عصیانگر بدهد. شخصیت مردانه او توجه پدر را جلب می‌کند و او حمایت پدر را به دست می‌آورد و راهی برای ورود خود به جامعه باز می‌کند. زنان رمان هرکدام درگیر مشکلاتی هستند که مردان برای آن‌ها به وجود آورده‌اند. زمانی که شهره احساس تنهایی می‌کند، با «فرهاد»، که ادعای روشنفکری دارد آشنا می‌شود؛ اما با گذشت زمان فرهاد ذات واقعی خود را نشان می‌دهد. شخصیت اصلی سعی بر این دارد در مقابل سنت‌هایی که زنان را محدود می‌کند ایستادگی کند. گاهی از دید راننده تاکسی در مورد مردمان شهر آگاهی می‌دهد و گاهی در آپارتمان گوش به دلتنگی‌های محبوبه می‌سپارد. داستان با خودکشی محبوبه پایان می‌یابد، اما در کنار این اتفاق تلخ، روزنه‌های امید و تحول در جامعه دیده می‌شود.

۲- بحث و بررسی نشانه‌شناسی اجتماعی رمان این خیابان سرعت گیر ندارد

۲-۱- نشانه هویت

«هویت عامل تمایز دهنده هر فرد، گروه یا ملتی از دیگران است. بدیهی است که جستجوی همه عوامل کوچک و بزرگی که در تکوین هویت اجتماعی مجموعه‌های انسانی مؤثرند کار دشواری است و مهم‌تر از آن درک اهمیت‌های زمانی و مکانی یک یا چندین مجموعه خاص و تفویق استثنایی آن‌ها در برهه‌ای معین است. پیوستگی امور اجتماعی نیز از نکاتی است که تعیین حدود مرزها را دشوار می‌کند» (شعبانی، ۱۳۷۷: ۱۰۶). نشانه‌های هویت یکی از شاخه‌های اصلی در نشانه‌شناسی اجتماعی هستند. هویت افراد را می‌توان بر اساس ویژگی‌های اجتماعی، عقاید، ارزش‌ها، رفتارها و گروه‌هایی که فرد در آن‌ها عضویت دارد، بازشناخت. از جمله نشانه‌های هویت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱-۱- دین

«هویت دینی، که در فطرت آدمی ریشه دارد، می‌تواند با تکوین و شکوفایی، پیامدهای مثبتی در حوزه‌های فردی و اجتماعی به دنبال داشته باشد؛ از جمله احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورها، هدفمندی و جهت‌دهی به فرد و جامعه که خود این امر بازخوردهای مثبت و اثر بخشی را در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شفافیت و نمود می‌بخشد» (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۴۴). دین، بارزترین و مهم‌ترین شکل نشانه هویت، به شمار می‌آید. با شناخت هویت دینی افراد، بسیاری از لایه‌های شخصیتی آن‌ها آشکار می‌شود و در تحلیل فرد و جامعه نقش مؤثری ایفا می‌کند.

در جوامع معاصر، دین و اصول اعتقادی تا حد زیادی کمرنگ شده است، در رمان، رفتارهای تجددمآبانه حامد و خانواده‌اش گویای همین مسئله است «تک تک فامیل حامد مریض این بودند که یک جایی بشنوند فلانی چه امروزی و مدرن است و در این راه از هیچ کاری ابا نداشتند. حتی تغییر لهجه یا کشف حجاب زن‌هاشان یا دخترانشان تو مجلس عروسی که بیشترشان مردهای غریبه بودند» (جهانی، ۱۳۹۷: ۹۹). «فرهاد: اینجا بیشتر از هر چیز و هرکس این خود زن‌ها هستند که واسه خودشون حصار می‌خرن» (همان: ۵۴-۵۵). از جمله رفتارهای شهره که نشانه‌ای از این تغییرات ارزشی است، می‌توان به دست دادن او با مردان نامحرم اشاره کرد (نک: ۱۰۶). آزادی مورد نظر فرهاد بیشتر بستری برای سوءاستفاده از زنان است تا نشانه‌ای از اعتقاد به آزادی واقعی.

در جامعه‌ای که سطح فرهنگی، اجتماعی و آموزشی پایین است، ضعف در اصول اعتقادی مشهودتر می‌شود. این ضعف را می‌توان در دو دسته تحلیل کرد: نخست، افرادی که دین و اصول اعتقادی را مانعی برای رسیدن به

خواسته‌های خود می‌دانند، این خواسته‌ها می‌تواند برای حامد و خانواده او رسیدن به تجدد باشد، برای فرهاد بهره بردن و سوءاستفاده از زنان است و برای شهره رسیدن به استقلال و آزادی فردی است. دوم، تأثیر عرف و سنت‌های حاکم بر دین در جامعه کرمانشاه، که گاهی موجب کم‌رنگ شدن باورهای دینی در رفتارهای افراد می‌شود.

۲-۱-۲- شغل

«حیات انسان در جامعه با کار عجین شده است. کار انسان نه فقط با تجربه و دانش او درآمیخته؛ بلکه به صورت یک امر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ارزشی و روان‌شناختی جلوه‌گر شده است» (رضی، ۱۳۸۱: ۲۸۶). اشتغال به معنای فعالیت انسان در حوزه‌های گوناگون است که از طریق آن کسب درآمد می‌کند و نیازهای مادی خود را برطرف می‌سازد. در این رمان، مقوله شغل به چند دسته تقسیم می‌شود:

۲-۱-۲-۱- شغل آزاد

تعداد دارندگان شغل آزاد در این رمان، به علت فقر و کم‌سواد، نسبت به سایر عنوان‌های شغلی بیشتر است؛ هرچند درآمد حاصل از این شغل‌ها جز در موارد معدودی چندان چشمگیر نیست. رانندگی وسایل نقلیه عمومی یکی از مشاغل مردانه‌ای است که شخصیت اصلی، «شهره»، به سراغ آن رفته است. میل شهره به این شغل و درآمدی که از آن به دست می‌آورد، موجب شده با وجود مخالفت‌ها، از تصمیم خود راضی باشد، در پایان رمان، او با دیدن یک تاکسی سمند زرد پلاک نوزده که راننده آن زن است، احساس شادمانی می‌کند. «دیدن یک زن لاغر مردنی پررو در جایگاه گردن کلفت‌ها و سبیل کلفت‌ها، برمی‌خورد به غرور موروثیشان. حق دارند، گاز آشپزخانه کجا و پدال گاز کجا؟» (همان: ۱۵). شهره شغلی را برگزیده که غرور مردان را جریحه‌دار می‌کند؛ مردانی که زنان را تنها در خانه و آشپزخانه دیده‌اند. این انتخاب هنجارشکنانه، شهره را نماد ایستادگی در مقابل زن‌ستیزی نشان می‌دهد. «دایی شهره: یک‌بار هم تهدید کرد که اگر دست از شغلم نکشم می‌سپرد به اراذل و اوباش جیره خورش که اسید بپاشند به صورت‌تم... گفت‌تم: دایی تو فکر کردی کسی که راننده تاکسی می‌شه سر و ظاهر براش مهمه. بده بپاشن» (همان: ۱۳۴). شهره، زیبایی ظاهری را برای خود بی‌اهمیت می‌داند؛ درحالی که توجه به ظاهر یکی از نشانه‌های هویت زنانه است. او با نادیده گرفتن این هویت و برتری دادن به ویژگی‌های پسرانه، می‌کوشد جایگاه خود را در جامعه تثبیت کند.

«مسافر: دخترمه انگار خدا ساخته بود برای تعمیر وسایل برقی. یه علاقه عجیبی داره به ئی کار که نگو... صاحب کارش... یه روز خواسته بشش دست درازی بکنه دخترمم شیشه در مغازه ره شکسته و یه تیکه‌اش برداشته و کتفشه جرانده» (همان: ۲۰). در جامعه نویسنده، قوانین مردسالار باعث شده نقش زنان در اجتماع کم‌رنگ باشد و تنها تعداد اندکی از آنان بتوانند به استعدادهای خود بها دهند. برای مثال، دختری که به تعمیر وسایل برقی علاقمند بود، به علت هوسرانی یک مرد از ادامه شغلش بازماند و در نهایت گرفتار زندان شد.

۲-۱-۲-۲- شغل دولتی

«دیدم که آقای مکی جلو دبیرستانی پسرانه از پشت فرمان پیاده شد و رفت داخل...» (همان: ۱۲۲ و نک: ۸۲). در این رمان، تنها به دو شغل دولتی اشاره شده است که آن هم مربوط به شخصیت‌های فرعی است. همین موضوع نشان‌دهنده غلبه سبک زندگی سنتی بر ساختار اقتصادی شهر کرمانشاه و نبود برنامه‌ریزی منسجم برای توسعه اقتصادی آن است.

۲-۱-۲-۳- شغل ورزشی

در جامعه مردسالار اشتغال زنان و تداوم یا توقیف آن، به شدت تحت تأثیر تصمیم‌گیری مردان خانواده قرار دارد؛ «فریبا» که عضو تیم ملی والیبال بود، برای ادامه فعالیت حرفه‌ای خود باید به خارج از کشور می‌رفت، اما پدرش اجازه

نداد و همین تصمیم، مسیر زندگی او را برای همیشه تغییر داد «یک روز رسید که خواست با تیم ملی سفر خارجی برود... حالا اما زیر ناخن دست‌هایش پر چرک و سیاهی است و لای انگشت‌هایش پر تاول... جیب‌های گشاد پالتو... برای این ساخته شده‌اند که من اسکناس‌ها را مثل همیشه نه به دستش که بصرانم تو آن‌ها نکنند... بشناسدم و شب عوض نشنگی کراک...» (همان: ۱۲۳-۱۲۴). ممانعت پدر از ادامه مسیر حرفه‌ای فریبا، موجب سرخوردگی و درنهایت سقوط او به ورطه اعتیاد، کارتون‌خوابی و گدایی می‌شود. در چنین جامعه‌ای، مردان با دیدگاهی بسته و محدود زندگی و آینده اعضای خانواده به‌ویژه زنان را در کنترل خود می‌گیرند. در سوی مقابل، فرهاد در رمان به‌عنوان فردی ظاهراً روشن‌فکر معرفی می‌شود که در حوزه کشتی فعالیت می‌کند «می‌گوید که تازه به ایران آمده و قبلش به دعوت فدراسیون کشتی هلند به آنجا رفته و مشغول مربیگری شده... می‌گوید که پدرش صاحب کارخانه روغن گلنار است و این باعث شده بتواند بی‌غم نان به عشقش یعنی کشتی بپردازد» (همان: ۵۲-۵۳).

مقایسه این دو شخصیت، تضاد وضعیت زن و مرد را در جامعه مردسالار برجسته می‌سازد. فریبا به‌عنوان یک دختر علاقمند به والیبال، به دلیل زن بودن و فقدان حمایت، آرزوهایش را کنار می‌گذارد. درحالی که فرهاد، به‌عنوان مردی از طبقه مرفه، نه تنها آزادانه مسیر زندگیش را انتخاب می‌کند، بلکه از پشتیبانی خانواده نیز برخوردار است. این تقابل، نابرابری جنسیتی را در جامعه روایت شده به‌خوبی نشان می‌دهد.

۲-۱-۲-۴- شغل هنری

به دلیل ساختار سنتی جامعه‌ای که نویسنده به تصویر می‌کشد، شغل‌های هنری در رمان نمود چندانی ندارد. در جوامعی با سطح سواد و فرهنگ بالاتر، مشاغل هنری جایگاه برجسته‌تری دارند. «محبوبه تو اتاقش پای تابلوی نقاشی است» (همان: ۱۲۹). یکی از نکات هوشمندانه رمان، انتخاب شغل «نقاشی» برای محبوبه است؛ شخصیتی شکننده که نمادی از زنان آسیب‌دیده در جامعه مردسالار به‌شمار می‌آید. محبوبه، با روحیه حساس توان تاب‌آوری در برابر فشارهای اجتماعی را ندارد و در نهایت قربانی بی‌عدالتی حاکم بر وضعیت زنان می‌شود. چنان‌که نقاشی برای او نه ابزار بیان، بلکه پناهگاهی موقت است که درنهایت نیز نمی‌تواند از فروپاشی‌اش جلوگیری کند.

۲-۱-۳- نشانه‌های ظاهری

پارامترهای از نشانه‌ها نظیر «خالکوبی‌ها، آرایش‌ها و مدل‌های مو و غیره نشانه‌های رمز پرداخته شده در جوامع بدوی هستند» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۱۸). با دقت در این نشانه‌ها می‌توان به لایه‌های پنهان هویتی و شخصیتی افراد پی برد.

۲-۱-۳-۱- زیورآلات

بررسی زیورآلات می‌تواند تا حدی نگرش، جایگاه اجتماعی و طرز تفکر افراد را نشان دهد. در رمان، استفاده از انگوهای طلا توسط مادر شهره حاکی از ذهنیت سنتی و گرانش‌های مادی اوست. «انگوهای طلا را که تا ساعدش بالا رفته می‌کشد رو مچ» (همان: ۱۰).

۲-۳-۱-۲- مدل مو و ریش

در رمان به انواع مدل‌های ریش و مو اشاره شده است که در شخصیت‌پردازی مردان نقش دارد. «شهره: من ریش پروفیسوری دوست دارم... یکبار تا دم مغازه‌اش رفتم. با ریش سه تیغه و موهای براق...» (همان: ۲۲-۲۳). برای زنان موهای مرتب نشانه‌ای از سلامت جسم و روان است، درحالی که بی‌نظمی در ظاهر، بیانگر اضطراب و پریشانی ذهنی است.

«... مهین هووی خانم ریحانی... زنی چهل ساله... عکس‌هایش همه آرایش کرده با موهای زرد جیغ است» (همان: ۶۹). «خانم ریحانی: یا صلات صبح فرداش که با موهای ژولیده و چشم‌های قی گرفته پشت عینک و پای برهنه و لباس محلی آمد دم در ما...» (همان: ۴۰). در این میان، مقایسه مهین و خانم ریحانی قابل تأمل است؛ موهای زرد مهین نماد جسارت و قدرت‌نمایی اوست، در حالی که ظاهر آشفته خانم ریحانی بیانگر نوعی ضعف و بی‌ثباتی است.

۲-۱-۳-۳- مدل آرایش

در جامعه مردسالار، گاهی مردان زنان را از آرایش کردن منع می‌کنند «شهره: لوازم آرایش‌ش به‌خشد، چون تو به قول خودت از ئی قرطی بازی بیزار بودی» (همان: ۱۱). برخی از زنان نیز به دلیل ترس از قضاوت دیگران، از آرایش خودداری می‌کنند «شهره: دستمالی را از جعبه بیرون می‌کشم و می‌مالم به لبم پاک می‌شود... محبوبه می‌پرسد: چرا پاکش کردی؟ می‌گویم: ترسیدم طرف خیال پلو بکنه برا خودش» (همان: ۴۸-۴۹). تفاوت آرایش زنان شهری و روستایی نیز در رمان برجسته شده است «شهره: پس به همین خاطر معصومه آرایشی کرده است که آرایش‌های من پیشش میک‌آپ آرتیست‌های هالیوودی به‌نظر می‌رسد» (همان: ۸۳). در مجموع زیورآلات، مدل مو و ریش و آرایش در قالب نشانه‌های ظاهری، نمایانگر، نگرش‌ها، سلیقه‌ها و وضعیت روانی شخصیت‌ها هستند.

۲-۱-۴- القاب و نام‌ها

«لقب واژه‌ای است که برای بیان موقعیت اجتماعی افراد به کار می‌رود. این نام ممکن است به‌گونه‌ای خنده‌آمیز یا مهرورزانه، به‌جای نام راستین آن چیز یا شخص به کار رود. در داستان‌ها عموماً نامگذاری شخصیت‌ها در جهت ویژگی‌های فردی آنان صورت می‌گیرد. زیربنای اسم، تلفظ شیرین آنکه خاصیتی که آن را در ذهن پایدار می‌سازد، عجیب و غیر عادی بودن یا حس درونی نویسنده، باعث می‌شود یک نام، از میان هزار نام انتخاب شود» (گیرو، ۱۳۹۲: ۷۹ و نک ۱۱۸). القاب و نام‌هایی که نویسنده برای شخصیت‌های رمان برگزیده، بیانگر هویت و موقعیت اجتماعی شخصیت‌ها در بستر جامعه‌ای سنتی است و بیشتر نام‌ها و القاب در جهت اغراض نویسنده و با حال و هوای عامه‌پسندانه انتخاب شده‌اند.

۲-۱-۴-۱- نام شخصیت‌های اصلی رمان این خیابان سرعت گیر ندارد

زنان رمان: شهره، شخصیت اصلی رمان، نماد عصیانگری و مقاومت در برابر ساختار مردسالاری جامعه است. محبوبه، شخصیتی خوش‌ذوق و هنردوست اما با روحیه حساس است. مادر شهره شخصیتی سنت‌گرا است که بالاترین وظیفه زن را تمکین از شوهر می‌داند. شراره، انسانی وابسته و دنباله‌رو مادرش در سنت‌گرایی است. خانم ریحانی و ننه فانوس، نماد انسان‌های تنها و ناتوان در برآورده کردن نیازهای خود هستند. فریبا، شخصیتی شکست خورده در زندگی و حرفه خود، به علت قوانین مردسالار است.

مردان رمان: پدر شهره شخصیتی حامی است اما نشانه‌های زن‌ستیزانه دارد. فرهاد نماد انسان‌های به ظاهر روشنفکر، اما، در باطن سودجو است. حامد همسر سابق شهره؛ مردی تنوع‌طلب، خیانت‌پیشه و به‌ظاهر متجدد است. بابک نماد انسان‌های سنت‌گرا، مغرور و خشن است. دایی شهره شخصیتی بد اخلاق، سنت‌گرا است که حق و حقوقی برای زنان قائل نیست. در این رمان، شهره نماد زن مدرن است و سایر شخصیت‌ها نماد سنت‌گرایی‌اند. نام‌ها اغلب رایج، بومی و بدون گرایش به نام‌های فرهنگی و امروزی‌اند.

۲-۴-۱-۲- القاب و نام‌ها

القاب و نام‌ها، نه تنها برای اشخاص، بلکه برای اشیاء و حتی به صورت مخفف در گفتگوها نیز کاربرد دارند. این نام‌گذاری‌ها گاه در راستای شخصیت‌بخشی، گاه برای ایجاد صمیمیت و گاه به منظور نشانه‌گذاری اجتماعی استفاده می‌شوند.

۲-۴-۱-۲- شخصیت بخشیدن

اعمال، رفتار و عادت مخصوص هر فرد، باعث شخصیت بخشیدن به او می‌شود. گاهی انسان‌ها برای اشیاء شخصیت قائل می‌شوند، برای مثال شهره برای ماشین خود اسم انتخاب کرده و به او لقب پرنسس داده است «شهره: زدم رو سقفش و گفتم بنازم به او غیرت سالار مثل پرنسس‌ها کسی جرئت نزدیک شدن بهات نداره» (همان: ۱۵). برخی از لقب‌ها از قدیم‌الایام با انسان است و با همین لقب‌ها شناخته می‌شوند «بگه مرغی است. پیرمردی که سال‌هاست... تخم‌مرغ... می‌فروشد» (همان: ۶۷). لقب «بگه مرغی» به نمادی از هویت شغلی و اجتماعی آن فرد بدل شده است.

۲-۴-۱-۲- مخفف کردن نام

گاهی شخصیت‌ها در هنگام صدا زدن یکدیگر به صورت مخفف از نام‌ها استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده رابطه صمیمی افراد با یکدیگر است «شهره: من از تاریکی نمی‌ترسم... ولی آیا محبوبه هم نمی‌ترسد؟ می‌گویم: محبوب نمی‌ترسی؟» (همان: ۱۴۸). نام «محبوبه» در اینجا به صورت مخفف «محبوب» استفاده شده که حاکی از نزدیکی عاطفی و روابط غیررسمی میان شخصیت‌ها است.

۲-۵-۱-۲- مکان‌ها

«تقسیم شهرها به محله و خیابان‌ها نیز متضمن یک نظام دلالتی است» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۴۹). مکان‌ها می‌تواند تقسیم شود به کشور، شهر، محله و طبقه مرفه و طبقه محروم را شامل می‌شود و نشان‌دهنده وضعیت اجتماعی و اقتصادی می‌باشد، مکان‌ها در معرفی اجتماع و فرهنگ حاکم بر جامعه نویسنده نقش بسزایی دارد.

۲-۵-۱-۲- مکان، معرفی‌کننده وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

مکان می‌تواند نشان‌دهنده وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد افرادی که در طبقات مرفه جامعه زندگی می‌کنند دارای وضعیت بهتری هستند. برای مثال فرهاد ساکن محله بیست و دو بهمن است دارای وضعیت مالی، اجتماعی و سواد خوبی است و شهره که در میدان شهنواز سکونت می‌کند از سطح اقتصادی و اجتماعی کمتری برخوردار است و از نقاط کم‌برخوردار محسوب می‌شود (نک: ۲۲).

۲-۵-۱-۲- مکان‌های تاریخی و مهم شهر نویسنده

حضور مکان‌های تاریخی و نمادین شهر کرمانشاه، در متن رمان، علاوه بر واقع‌گرایی، نوعی هویت‌بخشی جغرافیایی به اثر نیز ایجاد می‌کند. «برف آرام آرام میدان آزادگان و ورودی جاده اسلام‌آباد را سفیدپوش می‌کند» (همان: ۱۳۴). «از خداهش است که این سرعت را نه در بلوار طاق‌بستان که در جاده چالوس داشته باشیم» (همان: ۴۳). «بیستون، جایگاه عشاق» (همان: ۹۳). میدان آزادگان، جاده اسلام‌آباد، بلوار طاق‌بستان و بیستون از مکان‌های تاریخی و مهم شهر کرمانشاه به حساب می‌آیند.

۲-۱-۶- عقاید خرافی و رسوم قدیمی

«خرافات به ویژه در جوامع سنتی به شکل‌های متفاوتی نمود می‌یابد و گاه به دلیل فراگیری آن در طول زمان به یک نوع انتقاد تبدیل می‌شود» (گیرو، ۱۳۹۲: ۷۵). در این جوامع، عقاید خرافی نمود بیشتری دارند و اغلب این باورها درباره زنان و در راستای منافع مردان به کار گرفته شده‌اند. مانند:

۲-۱-۶-۱- دادن راهکارهای خرافه‌گونه برای حفظ همسر

افراد سنت‌گرا معتقد بودند زن، کسی است که می‌تواند زندگی و همسر خود را جمع و جور کند و تمکین همسر را اصلی‌ترین کار زن می‌دانستند «مادر شهره: او تمکین زن را ارجح می‌داند به هر خصلتی، که من ندارم» (همان: ۵۸). معتقد بودند زن باید با بی‌مهری‌های همسر بسازد و از طلاق حرفی نزند؛ از تفکرات سنتی که وجود دارد این است که وجود بچه باعث استحکام خانواده و ایجاد علاقه بیشتر مرد به همسرش می‌شود، اینگونه فکر می‌کردند که با این روش مرد، متعهد به زندگی و خانواده‌اش می‌شود «روله حامله بشو. مرد ره فقط بچه پاگیر زندگی مکنه» (همان: ۳۵). مادر شهره دست به تحقیر دیگر زنان می‌زند و راهکارهایی که ارائه می‌دهد، تسلیم بودن در برابر مردان است. در چنین جامعه‌ای زنان باید تمام تلاش خود را برای حفظ زندگی انجام دهند و مردان مستثنی هستند. «نه تنها مردان و فرهنگ جامعه در پذیرش تحقیر زنان مؤثرند، بلکه خود زنان نیز به آن تن می‌دهند و با جان و دل آن را می‌پذیرند» (دوبووار، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

۲-۱-۶-۲- برگزاری آیین‌های قدیمی مانند ختنه‌سوران

ختنه‌سوران جشنی بود که بعد از ختنه کردن کودک پسر به مناسبت تندرستی او بر پا می‌کردند؛ ختنه کردن در نزد مسلمانان یک واجب دینی است. در فرهنگ مردسالار فرزند پسر بر دختر ارجح است. «همین طرز تفکر، به نوع تلقی جامعه مردسالار از زن برمی‌گردد که مرد را نیروی کار مفید می‌دانستند و زن را به سبب محدودیت‌هایش خوار می‌دانستند» (صادقی شهپر و همکار، ۱۳۹۲: ۸۴). «محمد می‌گه کی دیه ختنه‌سوران می‌گیره. مادر: نمی‌فهمن. رسم و رسومه که همیشه بریزی دور. ... شهره: می‌گویم: مامان می‌خواهی عالم و آدمه خبردار کنی صاحب نوه پسری شدی؟ ختنه‌سوران برای ئی می‌گیری؟... راستی مامان اجاقی یه خانه فقط با پسر روشن می‌شه؟ مادر: خب معلومه که با پسر روشن می‌شه» (همان: ۶۱ و نک: ۸۴). در خانواده‌های سنتی اگر صاحب فرزند دختر می‌شدند اما پسر دار نمی‌شدند خود را اجاق کور می‌خواندند.

۲-۱-۶-۳- برخورداری از ارث را حق پسر می‌دانستند

برخی با داشتن تفکرات سنتی برخورداری از ارث را حق پسر می‌دانند، معتقد بودند که فرزند پسر است که برای خانواده زحمت می‌کشد و اگر زنی برای به دست آوردن حق خود شکایت کند از طرف خانواده طرد می‌شد، درحالی‌که برخورداری از ارث برای دختر و پسر هم در شرع و هم در قانون ثابت شده است. «مادر: هیچ وقت تا روزی که زنده‌ام رو به خواهری نمکنم که یکی یه دانه برادرمانه کشاند دادگاه بری جیفه دنیا. برای ارثی که اگر خدایی و پیغمبری باشه حق پسر نه دختره تو خانه پدری چه زحمتی کشیدم که طلبکار باشم؟ ... خاله می‌گوید که پدرشان در وصیت‌نامه‌ای که به جا گذاشته خواسته که کل دارایی‌اش به مساوات بین دخترها و پسرش قسمت شود...» (همان: ۸۸). این تفکرات از ناحیه خانواده‌های مردسالار باعث شده است فرزند پسر گستاخ شود و حق دختر را سهم خود بداند.

۲-۱-۶-۴- اعتقاد به اینکه زنان نباید بیرون از خانه کار کند

در جامعه زن‌ستیز مردان ترجیح می‌دهند که زنان، خانه‌دار باشند تا شاغل باشند. کار کردن را حق مرد و استقلال مالی زنان را برای خود یک نوع حقارت می‌دانند و تحمل ندارند ببینند همسر و خواهرانشان در جامعه با مردان معاشرت داشته باشند آن‌ها از این طریق می‌خواهند زنان را وابسته خود کنند «... و هرچه را در می‌آورد خرج می‌کرد. می‌گفت: نان زن بی‌غیرتی می‌آره» (همان: ۶۱). «مسافر: دختری که عقل داشت می‌دانست بنیسه ته خانه و بی‌پولی بکشه بهتر آینه خودش ول بکنه تو دست و پای یه فوج مرد...» (همان: ۲۰).

۲-۲-۲- آداب معاشرت

جدا از هویت، انسان‌ها با یکدیگر در ارتباط و تعامل هستند «نشانه‌های آداب معاشرت از منظر گیرو عبارتند از: توهین، لحن کلام، اطوارپژوهی، سلام و خداحافظی و فاصله‌پژوهی» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۰-۱۲۱).

۲-۲-۱- اطوار و فاصله‌پژوهی

گاهی ارتباط میان انسان‌ها از طریق حرکات بدن و صورت شکل می‌گیرد که در ایجاد ارتباط و رساندن پیام به مخاطب نقش بسزایی دارند. اطوارپژوهی به معنای مطالعه حرکات است و عبارتند از: «تحلیل حالت‌های چهره، ایما، اشاره و رقص» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

ادا اطوار: حالت‌های چهره و بدن را شامل می‌شود. نگاه در این رمان در معنی‌های مختلف آمده است «شهره: با ابرو به شکم شراره و بعد مادر اشاره می‌کنم. که یعنی مادر از قضیه خبر دارد؟ شراره: چشم‌هایش گرد می‌شود و سر تکان می‌دهد. که یعنی نه و مبادا از دهن در برود» (همان: ۸۵-۸۶).

شخصیت‌ها عصبانیت خود را به شکل‌های مختلف نشان می‌دهند «شهره: با کشیدن دستی ماشین را نگه می‌دارم. اگر تو باغ باشد معنی این کار را می‌فهمد» (همان: ۲۶ و نک: ۱۲). کشیدن دستی از عصبانیت خبر می‌دهد. سر تکان دادن می‌تواند معنی‌های مختلفی داشته باشد مانند: خیر و رد چیزی یا تأیید یا تحقیر کردن «شهره: آقا دلار می‌خری؟ سرهم به زور تکان می‌دهد. ابرو بالا می‌اندازد. که نه» (همان: ۱۲۴). «فرهاد: به حالت تحقیر سر تکان می‌دهد و می‌رود» (همان: ۲۷).

شخصیت‌های رمان ناراحتی‌های خود را به صورت گریه و شیون نشان می‌دهند «مادر وسط کوچه می‌نشیند و وی می‌کند. شراره صورتش را تو دست‌ها می‌گیرد و می‌زند زیر گریه» (همان: ۱۴۶).

۲-۲-۲- لحن کلام

انواعی دارد که افراد در گفتگوهای روزمره در موقعیت‌های گوناگون از آنها استفاده می‌کنند. از منظر گیرو «لحن کلام یکی از عمومی‌ترین شیوه‌های بیان میان فرستنده و گیرنده است. این لحن می‌تواند خودمانی، محترمانه، طنزآمیز، آمرانه، ملایم، و غیره باشد» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

۲-۲-۱- ملایم

زنان به علت احساسات قوی و درکی که از هم دارند، لحن آن‌ها با یکدیگر ملایم است، مگر در دو مورد: مادر شهره و خواهر شهره اکثراً با تلخی با یکدیگر صحبت می‌کنند. اما بیشترین گونه لحن ناملایم از طرف مردان است نسبت به زنان. لحن ملایم شهره و محبوبه «محبوبه: با خنده و صدای خش‌دار می‌گوید: سلام آقای راننده. شهره: بیدارت کردم؟ محبوبه: کار خوبی کردی» (همان: ۳۸). لحن حرف زدن شهره و شراره با یکدیگر «شهره: برگرد خانه شراره... نزار ئی سر ظهری کفری بشم... شراره: من خرم که آمدم قبل از مامان پیش خواهرم درد و دل بکنم...» (همان: ۳۶ و نک: ۱۰).

صمیمیت بین شهره و محبوبه ناشی از درک متقابل آن‌ها از یکدیگر و طرز تفکر مشابه است، اما شهره نمی‌تواند با طرز تفکرات سنتی مادر و خواهرش کنار بیاید.

۲-۲-۲-۲- خودمانی

ادبیات کوچه‌بازاری و خودمانی شهره با شغل و شخصیت مردانه‌ای که به‌خود گرفته است ارتباط دارد «شهره: صبح که پا می‌شه آ خواب تا دو تا حب بندازه بالا و یخش آب بشه و اعصاب گه مرغیش آرام بگیره...» (همان: ۱۰۱). «شهره: با بلوز شلوار می‌آم. می‌بری ببر نمی‌بری برو پی کارت...» (همان: ۲۸). اینگونه جا افتاده است که زنان باید با ادب و مطیع صحبت کنند، اما شهره این قانون را نقض می‌کند.

۲-۲-۲-۳- آمرانه

در جوامع مردسالار، مردان در صحبت با زنان خواهان برتری و تحکیم‌اند، حق صحبت کردن به آنان را نمی‌دهند و تحمل جواب دادن زنان را ندارند. مردان احساسات خود را پنهان می‌کنند و غرورشان برایشان با اهمیت‌تر است؛ آن‌ها معمولاً کم حرف‌اند، اما زنان به علت ذات زنانه خود پر حرف هستند و احساسات خود را بروز می‌دهند. «پدر عادت داشت حرفش را خیره به جایی غیر از چشم مخاطب بزند. اصولاً اشیاء را انتخاب می‌کرد چون زبان پاسخگویی نداشتند. از شنیدن پاسخ بیزار بود. از پرگویی بیزار بود» (همان: ۱۶). «مادر اما... به ظهر نرسیده پر می‌شد از حرف... همه می‌دانستیم وقتی پدر زل می‌زند به تلویزیون و می‌گوید: صداشه ببرین، یعنی مادر خفه شود. پدر ظرفیتش پر است...» (همان: ۱۶).

۲-۲-۲-۴- محترمانه

لحن حرف زدن زنان با یکدیگر به‌صورت محترمانه، اما لحن مردان با زنان رمان اکثراً به‌صورت نامحترمانه است. در بین شخصیت‌های مرد، فرهاد است که ادعای روشنفکری و محترم بودن دارد «فرهاد: پس آروم رانندگی کنین. در ضمن کمر بندتون رو هم ببندین» (همان: ۲۵). «فرهاد فنجان خودش را به پسر نشان می‌دهد و می‌گوید... لب پر شده. مواظب باش وقت شستن دستتو نبره» (همان: ۵۵). فرهاد برخلاف ادعای روشنفکری که دارد، تفکرات و بینش او سنتی است.

۲-۲-۲-۵- محلی

لحن حرف زدن خانم ریحانی به‌صورت محلی و دارای طنز خفیف است «و قراری گیس مهین کیشام که کچلو بی^۱. شهره: یعنی الان مهین کچله؟ نه فره مو دری^۲» (همان: ۶۹). یکی از مسافران مرد به‌صورت محلی و با حالت تحقیرگونه در مورد زنان صحبت می‌کند «مسافر: رقص و ناو آو؟... هفت هشت گله دُت و نو آو جوری رقصیان که ژنیل ایمه و بان زمین نیتونن...^۳» (همان: ۱۸). مردان با قوانین سخت‌گیرانه عرصه را بر زنان تنگ کرده‌اند و دست به تحقیر زنان خود می‌زنند و آنان را با زنان خارجی مقایسه می‌کنند.

۲-۲-۲-۶- استفاده از لغات خارجی هنگام صحبت کردن

بیشتر در صحبت‌های فرهاد که از خارج برگشته است دیده می‌شود «فرهاد: چاکلت آدمو گرم می‌کنه... شهره: پرتقال... را برمی‌دارم... از دستم می‌افتد زیر صندلی... مرد خم می‌شود و پیداش می‌کند. فرهاد: بیا هانی. ویتامین سی رو هم بزن به بدن...» (همان: ۲۴ و نک: ۲۷).

^۱ آنقدر موهای مهین را کشیدم که کچل شد.

^۲ نه مو زیاد داره.

^۳ رقص تو آب؟... هفت هشت تا دختر توی آب طوری می‌رقصند که زن‌های ما روی زمین نمی‌توانند.

۲-۲-۳- توهین

«جلوه‌های معاشرت همواره سازنده نیستند و گاه کارکردی مخرب دارند، توهین صورت منفی سلام و خداحافظی و نشانه‌ای مبینی بر دشمنی است» (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۲۲). بیشتر توهین‌ها یا از جانب مردان نسبت به زنان صورت می‌گیرد یا از جانب زنان نسبت به هم‌نوعان خودشان انجام می‌گیرد.

۲-۳-۱- توهین از جانب مردان به زنان

«دایی: خون دودید تو صورتش و داد زد: کره خر. یه میدان بار و یه شهر حرف رو حرفم نمی‌آرن حالا تو جفله حساب پس می‌گیری آه؟» (همان: ۸۸). «بابک: آقام میگه زنای پیر به درد لای جرز می‌خورن... گفت: شما زنا هم حقتانه شکل عجوزه بشین» (همان: ۱۴۴). مردان در جامعه مردسالار به علت خودپرتربینی که دارند، این اجازه را به خود می‌دهند که نسبت به زنان توهین کنند. گاهی یک درخواست بی‌شرمانه، بی‌توجهی، نادیده گرفتن و متلک می‌تواند توهین حساب شود.

۲-۳-۲- توهین از جانب زنان به هم‌نوع خود

«محبوبه... یه خواهری داری مثل شیر نر... خیر سرش آمد تعریف کند. نمی‌داند اینجا و در حضور مادر هر تعریفی نتیجه عکس می‌دهد. مادر می‌گوید: یه شیر نر بی‌آبرو. تونم شل شیتی هستی مثل خودش که افتخار مکنی بشش» (همان: ۸۵). «مادر شهره: بمان نهاره با هم بخوریم تا غروب بشه دوباره ویلان بشی تو کل و کوچه‌ها خیر سرت» (همان: ۱۰). برخی از زنان قدیمی باعث پایداری مردسالاری در جامعه شده‌اند. «خود زنان فرامی‌گیرند که در جریان اجتماعی شدنشان، ایدئولوژی مردسالارانه را درونی سازند؛ بنابراین به گونه‌ای تربیت می‌شوند که جنس خودشان را تحقیر کنند و از این طریق شخص در وابسته کردن خویش همکاری کنند» (ایبرمز و گالت هرفم، ۱۳۷۸: ۱۴۲).

۲-۲-۴- خوراک

«... انسان به واسطه خوردن غذا، برای فعالیت جسمانی انرژی کافی به دست می‌آورد، اما نوع خوردن فعالیت فرهنگی به شمار می‌رود، اینکه انسان چه بخورد و چگونه بخورد، در چه موقعیتی چه چیزی را بخورد، در چه موقعیتی نخورد؛ چه غذا و غذاهایی شأن و منزلت اجتماعی ایجاد می‌کنند و ... همگی وجود یک فعالیت فرهنگی معناساز، ارزش‌آفرین، هویت ساز و متمایز کننده خود از دیگری‌اند» (سجودی، ۱۳۹۰: ۲۳). از طریق غذاهایی که مردمان یک جامعه در موقعیت‌های گوناگون استفاده می‌کنند یا آدابی که در مورد آن رعایت می‌کنند، می‌توان به شناخت نسبی در مورد اعتقادات، وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان رسید.

۲-۴-۱- خوراک و طبقه اجتماعی و اقتصادی

با توجه به غذاهایی که مردمان شهر کرمانشاه استفاده می‌کنند، می‌توان از وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنان آگاه شد. در این رمان، افراد از طبقات متوسط جامعه هستند و خوراک آن‌ها نیز همانند افراد متوسط است «مردهای گرسنه آرام آرام و سیخ به سیخ سیر می‌شوند و میدان خلوت می‌شود. بعضی‌ها هم ترجیح می‌دهند شلغم بخورند...» (همان: ۱۰۳) «شهره: مگر می‌شد وقتی فرهاد به جای خوردن کباب برگ‌های نگینی‌اش آن‌طور دست زیر چانه نگاهم می‌کرد غذا خورد» (همان: ۱۰۵). فرهاد که دارای وضع مالی خوبی است، شهره را دعوت به رستوران کرده است؛ جز این مورد در بقیه رمان از بساط جگرکی و شلغم‌فروشی و از باقی ماندن گوشت‌های به فروش نرسیده می‌گوید.

۲-۴-۲-۲- خوراک و آداب غذا خوردن

در شهر کرمانشاه معمولاً زنان قدیمی خود پخت و پز را انجام می‌دادند، امروزه زنان و مردان به علت مشغله یا بی‌حوصلگی از بیرون غذا می‌گیرند. «هر وقت حوصله داشته باشد آشپزی هم می‌کند نداشته باشد تلفنی غذای آماده می‌گیرد... خاله هم گاهی با قابلمه غذا سر می‌رسد. غذاهایی را می‌پزد که محبوبه بچگی‌هاش زیاد دوست داشته» (همان: ۳۳).

«پدر ظهرها دیر از سر کار برمی‌گشت. من و شراره نهارمان را می‌خوردیم. مادر منتظر پدر می‌ماند» (همان: ۶۴). از دیگر آداب غذا خوردن این است که تمامی اهل خانه سر یک سفره و با هم دیگر غذا بخورند. گاهی به علت ساعت کاری افراد شاغل خانواده، بچه‌ها که توان تحمل گرسنگی را نداشتند زودتر غذا می‌خوردند.

۲-۴-۳- نوع پذیرایی و اشاره به غذا و شیرینی شهر کرمانشاه

اشاره به مهمان‌نوازی مردمان کرمانشاه، بخصوص کسانی که سن بالا دارند «خانم ریحانی بزور از جا بلند می‌شود و جعبه نان برنجی را... می‌گذارد جلو دستم...» (همان: ۶۸ و نک: ۵). نان برنجی و نان ساجی از شیرینی‌های شهر کرمانشاه است. اشاره به غذاهای شهر کرمانشاه مانند «خورشت خالال، ترخینه و کباب برگ نگینی» (نک: ۶۲، ۳۴، ۱۰۵).

۲-۴-۴- خوراک‌هایی که نشان‌دهنده اصول اعتقادی است

«مادر می‌گوید: کاش یه گوسفند هم سر می‌بریدیم» (همان: ۶۱). قربانی کردن از اصول اعتقادی مسلمانان است و برای تقرب به خدا، رفع بلا و ضرر از جان و مال انجام می‌شود. «پدر سفره را می‌بوسد و.. می‌گفت: ئی سفره ره جمع بکن» (همان: ۶۵). خوردن غذا در نزد مسلمانان آدابی دارد؛ از مهم‌ترین آن این است که در شروع غذا خوردن بسم الله بگویند و در پایان شکر خدا را به‌جا آورند. بوسیدن سفره نمادی از سپاسگزاری است.

۲-۵-۲- پوشاک

«... برای پوشش و لباس کارکردهایی در حوزه فردی اجتماعی بر می‌شمرند. از کارکردهای فردی آن پاسخگویی به نیاز فطری، خود استتاری و تأمین امنیت در برابر گرما و سرماست. از کارکردهای اجتماعی پوشش نیز هویت بخشی آن است؛ نوع پوشش نشان‌دهنده سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای هر جامعه است» (نوری، ۱۳۸۱: ۱۳۲). با استفاده از رنگ، جنس و تازگی یا کهنه بودن لباس افراد می‌توان در مورد شرایط اجتماعی، اقتصادی، آداب و رسوم و غیره قضاوت کرد و به شناخت اولیه از فرد رسید.

۲-۵-۱- پوشاک و وضعیت اقتصادی

مردان مرفه رمان با کت و شلوار به رنگ روشن معرفی می‌گردند «شهره: ...چشمم می‌افتد به فرهاد که جلوی رستوران با کت و شلواری یاسی از آزرای سفیدش پیاده می‌شود...» (همان: ۹۸). «رنگ شاد تی‌شرت حامد و شلوار اسلش کرمش هم غریب بودند» (همان: ۲۵).

از طرفی، لباس‌های چروک، رنگ و رو رفته، لک‌گرفته نشان‌دهنده این است فرد از طبقات پایین جامعه است «شهره: حس کردم با ... مانتو چروک و موهای نامرتب که از زیر مقنعه بیرون آمده بود، باعث خجالتش شده‌ام» (همان: ۲۳). «جیب‌های گشاد پالتو چرک‌مرده‌اش انگار از ازل برای این ساخته شده‌اند... شال کاموایی قهوه‌ای‌اش پر از پرز و لکه است» (همان: ۱۲۳-۱۲۴). نوع لباس، جنس پارچه، تازگی یا کهنه بودن لباس و حتی رنگ آن‌ها نشان‌دهنده سطح اقتصادی افراد است.

۲-۵-۲-۲- پوشاک و وضعیت اجتماعی

پوشش زنان بستگی به نگرشی که بر آن جامعه حاکم است دارد. در این رمان پوشش زنان، مخصوصاً زنان سنت‌گرا تحت تأثیر سخت‌گیری مردان اتفاق می‌افتد «شهره: مانتو روسریش شد چادر مقنعه، چون تو خواستی» (همان: ۱۱). زنان مدرن در مقابل پوشش‌هایی که افراد سنت‌گرا می‌پسندیدند، دست به مقاومت می‌زنند «آن روز مادرم هرکاری کرد چادر سرم نکردم و با بلوز و شلوار چایی بردم و پدر تا مرا دید اول خوب براندازم کرد مبادا جایی از بدنم پیدا باشد» (همان: ۲۸).

مردم کرمانشاه در مراسمات لباس‌های محلی می‌پوشند و کمتر از لباس‌های رسمی استفاده می‌کنند «بابک می‌گوید: نم‌خواهی امتحانش بکنی؟... می‌گویم:... من نمی‌پوشمش. خودت که می‌دانی با لباس بلند و زردوزی و کمر چین‌دار و این چیزها آیم تو به جوب نمی‌ره» (همان: ۱۲۹). پوشش شهره نمادی از ایستادگی در برابر سنت‌های عرف شده و مقاومت در برابر مردانی است که در امور زنان دخالت می‌کنند.

۲-۵-۳- پوشاک و آداب و رسوم

پوشش بومی مردمان هر شهری نشان‌دهنده فرهنگ غنی آن منطقه است و محیط جغرافیایی در نوع پوشش دخیل است. مردان قدیمی در شهر کرمانشاه معمولاً از لباس محلی کُردی برای پوشش خود استفاده می‌کنند: «همان مرد پنجاه و چهار پنج ساله تنومندی که در یکی از عکس‌هایش با شلوار کُردی بر فراز تپه‌ای...» (همان: ۶۹). لباس محلی زنان کُرد دارای طرح‌های متنوع با رنگ‌های شاد است. بعضی از زنان کُرد برای پوشش سر و موی خود از لَچک استفاده می‌کنند: «یک دسته زن لَچک بسته، وی کنار از جلو روم رد می‌شوند» (همان: ۱۰۹).

نتیجه‌گیری

این خیابان سرعت‌گیر ندارد در مقوله رمان‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و یکی از عوامل موفقیت آن توجه به نشانه‌شناسی اجتماعی است. این پژوهش می‌کوشد حضور نشانه‌ها را در جنبه‌های گوناگون زندگی روزمره، از قبیل خوراک، پوشاک، شغل و... به تصویر بکشد. تنوع نشانه‌ها در این رمان چشمگیر است؛ نویسنده به‌خوبی از نشانه‌هایی مانند دین و اعتقادات، آداب و رسوم و خوراک شخصیت‌ها برای بیان مقاصد خود بهره گرفته و همچنین از روش‌های ارتباط غیرکلامی، مثل لحن، ایما و اشارات و... به‌عنوان زمینه‌ای برای بازتاب واقعیت‌های اجتماعی استفاده کرده است. از آنجا که نویسنده رمان کرمانشاهی است، به برخی از آداب و رسوم، نوع غذا و شیرینی، لهجه‌های محلی، پوشش و مکان‌های مربوط به شهر کرمانشاه اشاره کرده است. این پژوهش نشان می‌دهد، نویسنده به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مردسالاری حاکم بر شهر کرمانشاه را به‌رخ کشیده است و از باید‌ها و نبایدها و سخت‌گیری‌هایی که برای زنان در انتخاب شغل، پوشش و لحن سخن گفتن مردان با زنان وجود دارد، صحبت کرده است. همچنین، رنج زنان گرفتار در جامعه زن‌ستیز نیز در این رمان به تصویر کشیده شده است؛ جامعه‌ای که علاوه بر مردان برخی زنان سنت‌گرا نیز همه حق و حقوق را به مردان می‌دهند و خواهان تسلیم بودن در برابر آن‌ها هستند. افزون بر این، نشانه‌های اجتماعی موجود در رمان تقابل سنت و مدرنیته را نیز برای مخاطب آشکار می‌سازد؛ شهره نماد مدرنیته است و به‌عنوان یک زن عصیانگر در مقابل جامعه مردسالار «سنت‌گرا» ایستاده است. بیشتر رفتار، حرکات، طرز صحبت کردن، انتخاب شغل و نوع پوشش او متفاوت و برعکس جامعه سنت‌گرا است. شهره خواهان ایجاد تحول در جامعه است و از خود شروع کرده است.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۳). *از نشانه‌های تصویری تا متن*. تهران: مرکز.
- ایبرمز، ام. اچ؛ گالت فرهم. جفری (۱۳۷۸). *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*. ترجمه سعید سبزیان، تهران: رهنما.
- اکبری، بهمن (۱۳۸۷). «بحران هویت، هویت دینی». *پیک نور*، دوره ۴، شماره ۴: ۲۱۹-۲۳۱.
- جهانی، مریم (۱۳۹۷). *این خیابان سرعت‌گیر ندارد*، چاپ چهارم، تهران: مرکز.
- دوبووار، سیمون (۱۳۸۲). *جنس دوم*، ترجمه قاسم صنعوی، جلد یک، چاپ پنجم، تهران: توس.
- رضی، داوود (۱۳۸۱). «سنجش نگرش دانشجویان به آینده شغلی خود با توجه به عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آن در دانشگاه مازندران». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره ۲، شماره ۳۰-۳۱: ۲۹۵-۳۲۶.
- سجودی، فروزان (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل*، چاپ دوم، تهران: علم.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹). *معناکاوی به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*، چاپ اول، تهران: علم.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۷). *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: قومس.
- صادقی شهپر، رضا؛ حجاز، راضیه (۱۴۰۱). «قد فمینیستی رمان سگ و زمستان بلند». *ادب پژوهی*، سال ۷، شماره ۲۶: ۷۳-۹۴.
- گیرو، پی‌یر (۱۳۹۲). *نشانه‌شناسی*، مترجم محمد نبوی، چاپ چهارم، تهران: آگه.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۹۰). *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*، مترجم مهران مهاجر و محمد نبوی، چاپ چهارم، تهران: آگه.
- نوری، علی‌رضا (۱۳۸۱). «معیارهای اسلامی پوشش زنان و الگوی معرف آن». *اندیشه صادق*، شماره ۸-۹، صص ۱۲۲-۱۲۹.

Preference List in English

- Ahmadi, B. (2004). *Semiotic: Theory & Practice*. Tehran: Markaz. (in persian)
- Abrams, M.H., Galt Farham. Jeffrey (1999). *Descriptive Dictionary of literary Terms*. Translated by Saeed Sabzian, Tehran: Rahnama. (In Persian).
- Akbari, B. (2008). "Identity Crisis and Religious Identity". *Peyk-e Noor*, No. 4, Tehran: Payam-e Noor University. Pp. 231-219. (In Persian).
- De Beauvoir, S. (2003). *The Second Gender*. Translation: Qasim Sanawi, Volume one, Fifth Edition. (In Persian).
- Giroud, P. (2013). *Semiotics. Translation by Mohammad Nabovi*, 4 e. Edition, Tehran: Aghah. (In Persian).
- Jahani, M. (2018). *This Street has no Speed Limit*. Fourth Edition, Tehran: Markaz.
- Makarik, A. (2011). *Encyclopaedia of Contemporary Literary Theories*. Translated by Mehran Mohajer & Mohammad Nabavi, 4 Edition, Tehran: Aghah. (In Persian) .
- Nouri, A. (2002). «Islamic Benchmarks of Women Wearing and its Usage Pattern». *Andise-ye-sadeq*. No. 8-9, pp. 122-129. (In Persian).
- Razi, D. (2002). "Evaluating Students Occupational Future Time Perspective with Regard to Social and Economic Factors Affecting it at the University of Mazandaran." *Research Journal of Humanities & Literatures Faculty, University of Asfahan*. 2ed. Number 31-30, Pp. 295-326. (In Persian).
- Sassani, F. (2010). *Meaning Analysis towards Social Semiotics. First Edition*, Tehran: Elam. (In Persian).
- Sojodi, F. (2011). *Semiotics Theory & Practice*. Tehran: Elam. (In Persian).
- Shabani, Reza (1998). *Principles of Iran Social history*. Tehran: Ghoumes. (In Persian).
- Sadeghi, Sh. R; Hijaz, Razia (2022). "Feminist Criticism of the Novel Dog and Long Winter". *Literature Study*, Year 7, Winter 2013, Number 26. (In Persian).